

شهادت و بازتولید وحدت اسلامی؛ چگونه رهبر شهید به سرمایه‌ای ماندگار برای امت تبدیل شد؟

مقدمه

در تاریخ معاصر، ترور و شهادت رهبران سیاسی و دینی غالباً با هدف ایجاد خلأ رهبری، تضعیف سرمایه اجتماعی و گسترش شکاف‌های داخلی صورت می‌گیرد. طراحان این اقدامات بر این فرض تکیه دارند که با حذف شخصیت‌های محوری، انسجام اجتماعی نیز از میان خواهد رفت. اما تجربه شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی، معادله‌ای متفاوت را پیش روی تحلیلگران قرار داد. آنچه پس از این حادثه رخ داد، نه فروپاشی انسجام، بلکه بازتولید و تقویت همبستگی در سطح ملی و جهان اسلام بود.

آیین گرامیداشت رهبر شهید در ارومیه با حضور علما، نخبگان و شخصیت‌های شیعه و اهل سنت، نمونه‌ای از این واقعیت است. این حضور مشترک نشان داد که شهادت ایشان، به جای آنکه شکاف ایجاد کند، ظرفیت‌های نهفته وحدت اسلامی را آشکار ساخت.

وحدت؛ میراثی فراتر از یک شعار

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبر شهید آن بود که وحدت اسلامی را صرفاً یک توصیه اخلاقی یا شعار سیاسی نمی‌دانست. در منظومه فکری ایشان، وحدت یک ضرورت راهبردی برای حفظ عزت امت اسلامی، مقابله با سلطه خارجی و زمینه‌سازی برای پیشرفت جهان اسلام بود.

از همین رو، اندیشه وحدت در سیره عملی ایشان نیز نمود داشت؛ از گفت‌وگو با نخبگان و علمای مذاهب مختلف گرفته تا تأکید مستمر بر پرهیز از اختلافات فرقه‌ای و تمرکز بر مشترکات امت اسلامی. حضور علمای شیعه و اهل سنت در مراسم بزرگداشت ایشان، بازتاب همین سرمایه‌ای است که در طول سال‌ها شکل گرفته بود.

چرا پروژه ایجاد شکاف ناکام ماند؟

هدف اصلی دشمنان از حذف رهبران اثرگذار، تضعیف روحیه عمومی و ایجاد گسست اجتماعی است؛ اما این

هدف زمانی محقق می‌شود که پیوند میان رهبر و جامعه صرفاً بر پایه جایگاه اداری یا قدرت سیاسی شکل گرفته باشد.

رهبر شهید، پیش از آنکه یک مقام سیاسی باشد، حامل یک گفتمان بود؛ گفتمانی که بر عدالت، استقلال، عزت اسلامی، دفاع از مظلومان و وحدت امت استوار بود. به همین دلیل، با شهادت ایشان، این گفتمان نه تنها از میان نرفت، بلکه در قالب حضور گسترده مردم، همبستگی میان مذاهب اسلامی و تجدید میثاق با آرمان‌های انقلاب، جلوه‌ای تازه یافت.

تشییع؛ نمایش سرمایه اجتماعی جهان اسلام

تشییع باشکوه رهبر شهید را نمی‌توان تنها یک آیین سوگواری دانست. این مراسم به عرصه‌ای برای نمایش سرمایه اجتماعی جهان اسلام تبدیل شد؛ سرمایه‌ای که در آن، هویت دینی، همبستگی ملی و احساس مسئولیت نسبت به آینده امت اسلامی در کنار یکدیگر قرار گرفت.

حضور میلیونی مردم، مشارکت شخصیت‌های علمی و دینی از گرایش‌های مختلف و حضور هیئت‌هایی از کشورهای متعدد، نشان داد که شخصیت رهبر شهید به مرزهای جغرافیایی ایران محدود نبود. این حضور گسترده، پیام روشنی داشت: اندیشه‌ای که بر وحدت، کرامت انسان و مقاومت در برابر سلطه استوار باشد، با حذف فیزیکی حامل آن از میان نخواهد رفت.

مسئولیت امروز؛ صیانت از سرمایه وحدت

مهم‌ترین پیام این تجربه، مسئولیتی است که بر دوش علما، نخبگان و مسئولان قرار دارد. سرمایه وحدتی که پس از شهادت رهبر شهید شکل گرفته یا تقویت شده است، سرمایه‌ای خودکار و دائمی نیست؛ بلکه نیازمند مراقبت، تدبیر و پرهیز از هر اقدامی است که بتواند زمینه اختلاف‌های مذهبی، قومی یا سیاسی را فراهم کند.

در شرایطی که دشمنان همچنان بر راهبرد تفرقه در جهان اسلام سرمایه‌گذاری می‌کنند، حفظ فضای همدلی میان مذاهب اسلامی، تقویت گفت‌وگوهای علمی و پرهیز از رفتارهای انحصارگرایانه، بخشی از استمرار راه رهبر شهید خواهد بود.

شهادت رهبر شهید نشان داد که همه ترورها به نتیجه‌ای که طراحان آنها انتظار دارند، منتهی نمی‌شوند. گاه حذف یک شخصیت، به جای تضعیف یک جریان، به تقویت هویت جمعی و افزایش انسجام اجتماعی می‌انجامد. راز این تفاوت را باید در نوع رابطه رهبر با جامعه جست‌وجو کرد؛ رابطه‌ای که بر اعتماد، مشارکت، هویت مشترک و آرمان‌های فراگیر استوار باشد.

از این منظر، بزرگ‌ترین میراث رهبر شهید را باید در شکل‌گیری و تقویت سرمایه وحدت دانست؛ سرمایه‌ای که اگر با هوشمندی حفظ شود، می‌تواند نه تنها ضامن انسجام داخلی، بلکه پشتوانه‌ای برای همگرایی هرچه بیشتر امت اسلامی در مواجهه با چالش‌های آینده باشد.